# شکستن سدّ مادّه گرانی

شما سوار یک ماشین می‌شوید.تا ماشین سرعت می گیرد می گویید من در این ماشین نشسته ام و همراه ماشین می روم بعد همه که ایستاد پیاده می شوم.اگر به شما بگویم که ماشین وقتی سرعت گرفت، الآن یک چیزی به شما داده که شما آن را نمی بینی؛ نه با ذره‌بین، نه با آینه .

ماشینی که دارد حرکت می‌کند، به شما انرژی ِاینرسی ِحرکتی[1] داده است. اگر می‌خواهی آن را ببینی، باید یک وسیله‌ای برایت بیاورند .یک دفعه یک وسیله ای بگیرند جلوی حرکت و به آن بخورد، می‌بینی واي! من در حالی که آرام بودم این را نداشتم. اما ماشین که به حرکت می‌آید، انرژی ِحرکتی ِبالا به من داده است. به تعبیری ،بدن من را آغشته کرده به انرژی اینرسی حرکتی که خودش را هم اصلاً نشان نمی‌دهد. چون بعداً وواش وواش ترمز می‌گیرم پیاده می‌شوم از من پس می‌گیری ای یک طور دیگری. این آغشته بودن همه جا هست.

مثلاً امواج، شما می‌گویید این فضا پر از امواج است، آغشته به امواج است. مثلاً برای امواج صوتی، یک دیافراگم[2] می‌آوری، شروع می‌کند به ارتعاش کردن. برای امواج الکترومغناطیسی، یک گیرنده می‌گیریم که می‌تواند آن را به یک چیز تبدیل کند و نشانش بدهیم. آن کسی که این را فهمید، دیگر مطمئن می‌شود که این فضا آغشته به این هاست. این ها برای انرژی و ماده؛چیزهایی که به حس ما مربوط می‌شود. مقصودی هم که ما الآن داریم این است که بگوییم باباهمانطور که خیلی از این اجسام در نگاه فیزیکی، آغشته به این چیزها هستند که ما باید با یک وسیله‌ای آن را نشان بدهیم ، تمام چیزهایی که با آن سروکار داریم، از مادّیّات و از کلیات همه‌شان آغشته به معانی‌اند. پشتوانه‌شان، معانی، است. فقط باید معنا را نشان بدهیم.

سد شکستن بسیار مهم است. وقتی که عده‌ای می‌گفتند هر چه هست، این جسم ِزبر ِخشن است، یک دفعه امواج الکترومگنتیکی[3] در آمد در فضای فیزیکی اصلاً همه یکّه خوردند.

می‌گفتند جسم این ذرات اتم است و تمام. بعد یک دفعه آمد که ذرات اتم چیست؟ ما بار الکتریکی داریم، بار الکتریکی و در نتیجه امواج الکترومگنتیکی، اصلاً خود لنین هم زنده بود که اینها آمد. لنین طرفدار اصلی ماتریالیسم بود. این کشفیات برای لنین هم به‌آوار شد. بعد زحمت هم کشید که ماتریالیسم را بر مبنای نظریه فلسفی جامعی که هیچ وقت با علم از بین نرود درست کند. گفت من یک ماده فلسفی درست می‌کنم که هیچ وقت در نشود. موفق هم نیست. به سرعت می‌شود ردش کرد. ولی زمانی بود که اینها برایش کشف شده بود ناچار شد، اینطور ماتریالیسم را معنا کند.

---

[1] لَختی، مانْد ای اینرسی (به انگلیسی: Inertia) (به فرانسوی: inertie) خاصیتی از یک جسم است که در برابر تغییری سرعت ای تغییری جهت حرکت جسم مقاومت می‌کند. هر چه جرم یک جسم بیشتر باشد لختی آن بیشتر است. به قانون اول نیوتون قانون لختی نیز گفته می‌شود. تمایل اجسام به حفظ حالت قبلی را لختی گویند. (سایت ویکی پدیا)

[2] صفحه ای جسمی که با برخورد صدا دچار لرزش و ارتعاش می شود دیافراگم نام دارد

[3] تابش الکترومغناطیسی پدیده‌ای موجی است که در فضا منتشر می‌شود و از میدان‌های الکتریکی و مغناطیسی ساخته شده‌است. این میدان‌ها در حال انتشار، بر یکدیگر و بر جهت پیشروی موج عمود هستند.گاهی به تابش الکترومغناطیسی، نور می‌گویند، اگرچه نور مرئی فقط بخشی از گستره‌ٔ امواج الکترومغناطیسی است. امواج الکترومغناطیسی بر حسب بسامدشان به نام‌های گوناگونی خوانده می‌شوند: امواج رادیویی، ریزموج، فروسرخ (مادون قرمز)، نور مرئی، فرابنفش، پرتو ایکس و پرتو گاما. این نام‌ها به ترتیب افزایش بسامد مرتب شده‌اند. تغییر در اندازه ای موقعیت بار الکتریکی، باعث پدید آمدن و انتشار موج الکترو مغناطیسی می‌شود. در ابتدا تصور این بود که الکتریسیته و مغناطیس دو پدیده جدا از هم هستند. با انتشار رساله الکتریسیته و مغناطیس جیمز کلارک ماکسول در سال ۱۸۷۳ میلادی که در آن وی نشان داد تعامل باره‌ای مثبت و منفی توسط یک نیروی صورت می‌گیرد، این دیدگاه تغییر کرد.(همان)

---

بازبینی #1
ایجاد شده 10 آوریل 2025 14:49:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 آوریل 2025 14:50:17 توسط ... .